

مو عقده‌ایم ناشور؟! مو عاشق تو بودم پخمه!

- الو! سلام شوهرجان! داری می‌آی خونه، برنج و روغن و گوشت و مرغ و میوه و شیرینی هم بخر بیار.
- چکاره؟! زن! مگر امشب چراغون درم خنما؟
- نه! پدر بزرگ مادر بزرگ مادری و پدر بزرگ مادری پدری م با چند تا از دوستای پیرشون از تهران اومدن خونه ما. با این چمدونایی هم که با خودشون آوردن، فکر کنم حالا حالاها مهمون ما هستن!
- انا! پری چی هرچی ننه گلون بابا گلون و پیر زال پیر پاتال تو قوماتا بوده، ناسن وُرخواستن کله کردن سمت مشد و خنه ما؟
- آخه این بنده خداها شنیدن که رئیس کمیسیون خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران گفته: «اموات تهرانی‌ها از مهرماه روی زمین می‌ماند.» و گفته که اگه تکلیف آرامستان جدید تهران مشخص نشه، از اول پاییز دیگه جایی واسه دفن اموات توی تهران ندارن. اینا هم چون می‌دونستن که آرامستانای مشهد هنوز جازیا دارن، پاشدن اومدن مشهد تا هروقت فوت کردن، روی زمین نمونن و جا برای دفنشون باشه.
- یره بی‌اشکل ایجور که گوشش وازه! مگر خنه ما خنه سالمندایه؟! ای جوری پشه، اوقاٹم تلخ مره و وُر مخژم می‌آم با همه شا کله و ننگ مژم‌ها!
- این حرفا چیه می‌زنی مرد؟ مهمون حبیب خداست. احترام بزرگ ترا واجبه. پیرا وجودشون نعمته. اصلا خوب کاری کردن اومدن خونه ما. تو هم اگه ناراحتی، از امشب تا وقتی همه شون از دنیا برن و توی آرامستان‌های مشهد دفنشون کنیم، توی کوچه بخواب؛ حق نداری پات روتوی خونه بذاری عقده‌ای!
- مو عقده‌ایم ناشور؟! مو عاشق تو بودم پخمه! حیف احساسی که مو به تو داشتیم! مو دگه تو ای خنه نمائیم! یرگه موساکوتقی!
- خب حالا نمی‌خواد سیس محمدرضا گلزار بگیري! زود بیا خونه، چیزایی که بهت گفتم هم بخر! سر راه چندتا واکر و ویلچر و عصا و چند بسته ایزی لایف هم بگیر بیار!

صفحه ۲
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۱۳۸

مشه ایجور بره؟! خسرو آبادیان

برای برق داشتن، اول باید شانس داشت



اردیبهشت ۱۴۰۴: وزیر نیرو: برخی مشترکان شانس این را دارند که نزدیک بیمارستان یا آتش نشانی هستند و برقشان قطع نمی‌شود. (عصر ایران)

خرداد ۱۴۰۴: وزیر نیرو: برخی مشترکان شانس این را دارند که با پول خودشان سه ماه به قطب جنوب بروند و در این بی‌برقی گرم را تحمل نکنند.

تیر ۱۴۰۴: وزیر نیرو: توماس ادیسون این شانس را داشت که من این قدر برق را قطع کنم تا مردم ایران با گوشت و پوست و استخوان حس کنند که او چه اختراع مفیدی داشته است.

مرداد ۱۴۰۴: وزیر نیرو: چون عدالت نیست، اگر برق بعضی‌ها قطع شود و برق بعضی‌ها نه، از این به بعد آن بعضی مشترکانی که نزدیک بیمارستان یا آتش نشانی خانه داشته باشند، این شانس را دارند که برق آن‌ها هم قطع شود تا به عدالت کمک کنند.

دی ۱۴۰۴: وزیر نیرو: برخی مشترکان شانس این را داشتند که پیش از وزیر شدن من از دنیا رفتند و این روزها راندیدند که حتی در اوج سرما و کم شدن مصرف، باز هم روزی چهار ساعت برق قطع شود.

بهمن ۱۴۰۴: وزیر نیرو: وزیر نیروی بعدی این شانس را دارد که هر چه سوءمدیریت داشته باشد، بگوید تقصیر وزیر قبلی بود و با شناختی که همه از من دارند، باور کنند.

اسفند ۱۴۰۴: وزیر نیرو: چون برق مجلس موقع سؤالات نمایندگان از من قطع شد و با تدبیری که اندیشیدم حالا حالاها وصل نمی‌شود، این بار خود من این شانس را دارم که تا چند وقت دیگر هم وزیر باشم.

کنج تو کنج منصوره احمدی

رئیس‌جمهور و وزیر آموزش و پرورش در آیین تجلیل از فرهنگیان برگزیده کشور



جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی



وزیر فرهنگ و رئیس مجلس در افتتاحیه نمایشگاه کتاب تهران



امضای تفاهم‌نامه همکاری میان وزیران انرژی تاجیکستان و برق ایران

